

# مکتب‌هرات

رنگ و شکل در

● دکتر

حبیب‌الله آیت‌اللهی

● رؤیا غلام‌حسینی

● هنر کوشش بشری است برای

تصویر تأثیرات ناشی از

حقایق هستی که در حس ایجاد می‌شود.

تصویری زیبا، زنده و مؤثر.

هنرمند نگارگر

با یک دید فرانکر عالمی می‌سازد که

آکنده از رمز و

تمثیل نشأت گرفته از

عالم ملکوت است.



مکتب‌هرات  
تألیف: حبیب‌الله آیت‌اللهی  
و رؤیا غلام‌حسینی  
مطبع: ...  
تیراژ: ...

نگارگری ایرانی مبتنی بر تصور کوچک شده اشیاء نیست و یا فقط تصویرگری روایات، بلکه برخلاف ظاهر تزیینی آن تأثیراتش وابسته به مفاهیم عمیق آن است و ملبس به ینشی ویژه و براساس اصول زیباشناسی می‌باشد. در این تصاویر رمزگونه تماشاگر نه در داخل تصویر و نه در برابر آن، بلکه مجذوب و مسحور تصاویر عالم خیال است.

بنابراین یکی از ویژگیهای منحصر به فرد نگارگری قطع ارتباط با واقعیت مشهود است چه از نظر شکل و چه از نظر رنگ. نگارگر در پی خلق جهانی است که زاده افکار پنهانی اوست.

او با یک دید فرانکر عالمی می‌سازد که آکنده از رمز و تمثیل نشأت گرفته از عالم ملکوت است و به تعبیر زیبایی محمد قطب که در کتاب منهج الفن الاسلامی گفته، هنر کوشش بشری است برای تصویر تأثیرات ناشی از حقایق هستی که در حس ایجاد می‌شود، تصویری زیبا، زنده و مؤثر.

آنچه مراد من است خارج رنگ است و بو و رنه گل سرخ و زرد در همه بازار است اکثریت صاحب نظران بر این اعتقادند که قرون ۱۱۱۰۹ ه. ق از دورانه‌های بسیار ممتاز تاریخ هنر نقاشی ایرانی است، این دوران که مصادف با دوره تیموریان می‌باشد سرآغاز این تحول است و هرات نامی است آشنا از دوره تیموریان که بحث مورد نظر ما می‌باشد.

بنابه روایت نویسندگان هنری، رونق و اعتبار مرکز هنری هرات تا بدان پایه است که در طی سالیان طولانی چهل خطاط و صد نقاش بی‌وقفه نقش می‌آفریدند و بدین ترتیب این مکتب پریار را پایه گذاری کردند و این میسر نبود مگر به همت و حمایت حکام وقت که شاهرخ یکی از آنان بود. در طی دوران لشکرکشیهای تیمور (پدر شاهرخ) به اهل هنر فرصت شایسته برای آشکار کردن خلاقیت‌های هنریشان داده نشد ولی پسر و نوادگان تیمور به جبران آن پرداختند و حاصل، خلق آثار با ارزشی است که اکنون در معروفترین موزه‌های جهان و ایران همانند گنجی گرانبها از آنها محافظت می‌شود.

تیمور و لشکریانش صد و پنجاه سال بعد از اولین حمله مغولان به ایران به مرزهای شمال شرقی ایران هجوم آوردند یعنی از اواخر سده هشتم هجری یورش تیمور گورگانی آغاز شد و تا سال (۸۰۲ ه. ق / ۱۳۹۹ م) تیمور تمام ایران، قسمتهای آسیای صغیر، عراق، هندوستان و بخشی از مسکو را زیر سلطه خود درآورده بود و زمانی که می‌خواست سرزمین پهناور چین را فتح کند مرگ وی فرارسید و بر سمرقند پایتخت خود دفن شده تیمور با توجه به اینکه از شیوه کشورگشایی مغولان پیروی می‌کرد ولی به هنر و هنرمندان برخورداردی دیگر داشت به طوری که هنرمندان برجسته را به سمرقند آورده و آنان را به برنامه‌های هنری و فرهنگی وامی‌داشت اکثر آثار دوره

تیمور مربوط به معماری و نقاشی روی دیوار می‌باشد که آنها نیز به علت تخریب اماکن مربوط از بین رفته است. شاهرخ که در زمان حکومت پدرش حاکم خراسان بود بعد از مرگ پدرش در شهر هرات کارهای فرهنگی بسیاری از جمله تأسیس کتابخانه مهمی در هرات، گردآوری جمعی از هنرمندان و... انجام داد.

بعد از مرگ شاهرخ فرزندانش به نامهای بایستقر، ابراهیم سلطان و الغ بیگ به ترتیب حاکمان هرات، شیراز و سمرقند شدند. و در این میان بایستقر که خود نیز از هنرمندان آن دوران بود خدمات ارزنده‌ای در رابطه با هنر انجام داد و در نهایت هرات به دست سلطان حسین بایقرا یکی از نوادگان تیمور افتاد و توسط وزیر هوشمندش امیر علیشیر نوایی آثار با ارزشی را بر جای نهادند.

از جمله آثاری که مربوط به دوره تیموری علی‌الخصوص مکتب هرات می‌باشد بدین قرار است: کتاب گلچین اشعار که از هفت شاعر تشکیل یافته موجود در موزه استانبول.

مجمع التواریخ حافظ ابرو.  
کلیله و دمنه (دو نسخه می‌باشد که یکی در استانبول و دیگری در موزه کاخ گلستان می‌باشد).

گلستان سعدی (۸۳۹ ه. ق / ۱۴۲۶ م). مجموعه چستر بییتی.

معراج‌نامه (سفر حضرت محمد ص). ۸۴۰ ه. ق / ۱۴۳۶ م.

شاهنامه بایستقری (۸۳۴ ه. ق / ۱۴۳۰ م). کتابخانه گلستان تهران.

شاهنامه جوکی (۸۴۴ ه. ق / ۱۴۴۰ م).

ظفرنامه یا زندگی تیمور.

خاوران‌نامه که مربوط به زندگی حضرت علی (ع) می‌باشد (۸۳۰ ه. ق / ۱۴۲۶ م).

خمسه نظامی و خمسه امیر علیشیر نوایی و چندین کتاب و نسخه‌های تک دیگر.

مطالب مذکور اشاره کوتاهی از روند تاریخی در زمان تیموریان بود که اینک با توجه به ویژگیهای خاص نگارگری که شامل فضا سازی خاص آن که نوعی الهام از عالم ملکوت یا عالم خیال است وارد مقوله اصلی می‌شویم که بحث در مورد شکل و رنگ می‌باشد. چنانچه ذکر شد شکل و رنگ در عالم خیال غیر از شکل و رنگ عالم مادی است به عبارتی اصل عدم واقع‌گرایی حاکم بر آن است.

از ویژگیهای دیگر آن می‌توان به عالم تفکر برانگیز بودن، درونگرایی، عامل هم زمانی، پراکندگی نور در سرتاسر اثر و ترکیب ماریچی را اشاره کرد. قرن نهم هجری، عصر طلایی هنرهای کتابسازی در ایران است. در این دوران، نگارگری به هویت‌های هنری خود رسیده بود که این تحول در زمینه طبیعت‌سازی بیشتر خود را نشان می‌داد و این مورد تا به مرحله‌ای رسید که نقش

انسان یعنی محور اصلی نقاشی، تحت الشعاع منظره‌سازی قرار گرفت. از عمده خصوصیات سبک تیموری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. اختصاص قسمت بیشتری در صفحه برای مجلس نقاشی.

. شیوه تزیینی ایرانی جایگزین طبیعت‌سازی خاور دور گردید. آب در گذشته منحصر به یک حوض و برکه جویی در پایین صفحه بود و اکنون طرح دیگری نیز به آن اضافه شد و آن یک هنر یا جوی آب است که به شکل مارپیچ، صحنه را طی می‌کند و رنگ تیره‌ای نیز برای آن انتخاب گردید. در مکتب شیراز و هرات زمین همیشه دارای یک پوشش گیاهی است و بیابان با بوته‌های کوچک خار و دشت و مرغزار با گل‌های منظم به دقت از روی طبیعت ترسیم شده است.

. گیاهان به شکوفایی بسیار رسیدند. هنرمندان مکتب شیراز گاهی از گل‌های تخیلی استفاده می‌کردند ولی در مکتب هرات، نگارگران با دقت گیاهان و خصوصاً گل‌ها را مطالعه می‌کردند ولی نسخه طبیعت را به روی کاغذ خود رسم نمی‌کردند بلکه مطابق ذوق خود قرار می‌دهند تضاد در آثار مکتب هرات به طور وضوح مشاهده می‌شود، مثلاً یک درخت پرشکوفه ناپایدار در کنار درخت سرو همیشه سرسبز قرار می‌گیرد. در شیوه هرات استفاده از رنگ‌های درخشان، دقت در جزئیات، وحدت در ترکیب‌بندی شخصیت‌پردازی چشمگیر افراد در پیکرهای انسانی بسیار مشهود است.

. انسان جایگاه بسیار حساسی در نگاره‌های ایرانی دارد بگونه‌ای که اگر او را بیش از حد دگرگون کنند که از حالت طبیعی خارج شود امکان دارد در حد پایینی سقوط کند و یا اگر جنبه واقعی بدهند از اصل و ذات نگارگری خارج می‌شود و اگر تزیینات بیش از حد دهند انسانی عاریتی در حد جسمانی می‌گردند بنابراین انسانی باید تصویر کردند که در عین رعایت اصل عدم واقعی‌گرایی و اصل زیباشناختی نمود جهان خیالی باشد. در واقع نگارگر ایرانی بدن‌بال





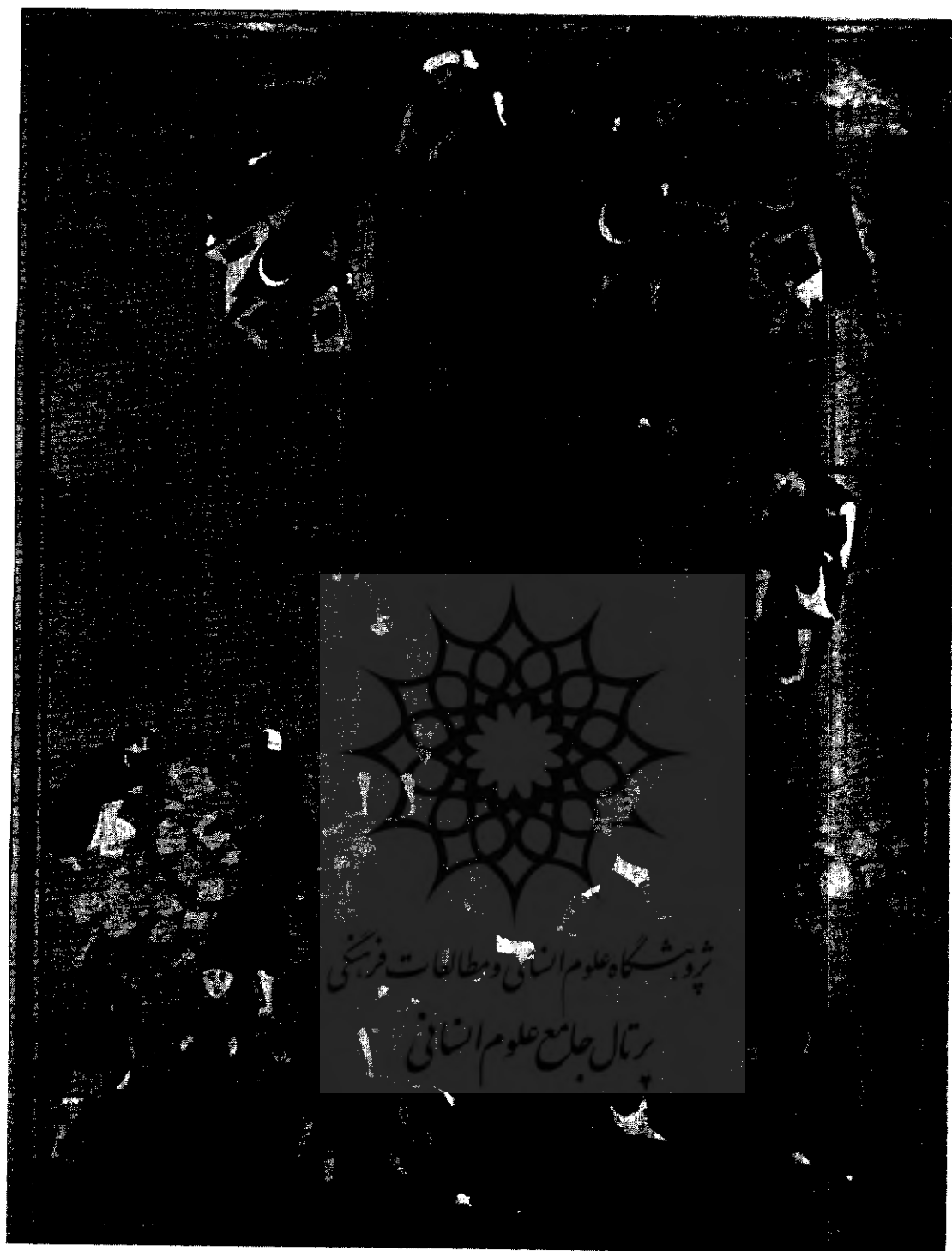
● درخشش رنگهای  
مرئی ایرانی  
ممتاز ترین  
وجه تمایز  
بین شاهکارهای  
نقاشی چینی  
و غربی است  
در تقاشی غرب  
تکامل ماده و  
جهان پدیده ها  
از راه دستیابی  
به شکل،  
تحقق می یابد  
و در نگارگری  
ایرانی  
از طریق تغییر  
و تبدیل ماده  
به رنگهای نوری  
صورت می پذیرد.

را از طریق نقاشی تاب نشان داده است در آثار مذکور در هر مقطع انسانی به تصویر کشیده شده که در رابطه با موضوع تحرک خاصی ندارد ولی در اواخر مکتب هرات با ظهور بهزاد تحولی عمده در شکل پیکرها و ترکیب بندی کلی به وجود آمد.

آنچه در نگاه اول بر نگاره های سحرآمیز ایرانی انسان را حیرت زده می سازد رنگهای تاب آن است. درخشش رنگهای مرئی ایرانی ممتازترین وجه تمایز بین شاهکارهای نقاشی چینی و غربی است در نقاشی غرب تکامل ماده و جهان پدیده ها از راه دستیابی به شکل، تحقق می یابد و در نگارگری ایرانی از طریق تغییر و تبدیل ماده به رنگهای نوری صورت می پذیرد. گرد طلا و نقره، لاجورد، زمرد و سنگهای گرانبهای دیگر جسمانیت را به گونه ای تلطیف می دهد که گویی بازتابی هستند از عالمی

نسخه برداری از طبیعت نیست بلکه او در پی آنچه به اثرش کمال و زیبایی و غنایی می بخشد می رود پس درختی نقش می کند در غایت زیبایی و انسانی تصویر می کند نه چون نقاش شرق دور مقهور طبیعت و جزئی از آن کل که طبیعت نام دارد و نه همچون هنرمند دوره رنسانس انسانی خداگونه که به انجام هر کاری تواناست.

کتاب خطی مهمی که از دوران هرات بر جای مانده معراج نامه است در این کتاب جهان مذهبی و عرفانی مستقیماً و گرنه از طریق نمادها به تصویر می آید، خصوصیت های ویژه بویژه رنگها، ابرهای طلایی و شعله ها هستند که آسمان آبی تیره را تسخیر کرده اند. مطابق فلسفه اسلامی این نگاره ها شاید تنها آثاری در جهان نقاشی باشند که هنرمند در آنها به بهترین طریق احساس عرفانی، یعنی سیروح در آسمان، سعادت ازلی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

عصاره برگ ویج، پوست انار، که رنگی در زمینه زرد می‌دهد، عصاره گیاه اوسکوتی که زرد لیمویی خوشرنگ می‌دهد، برگ درخت کول که رنگ مشکی روشن و پوست تنه درخت گردو و...

درنگارگری هر پدیده‌ای به رنگ اصلی آن نمایش داده می‌شود برای اینکه نور و سایه و تأثیر هوا است که رنگ اصلی را تغییر می‌دهد و اینها عارضی هستند، نه ذاتی.

دیگر سابقه رنگ در بین مردم ایران بسیار طولانی می‌باشد. اولین نمونه‌هایی که با رنگ در ارتباط بوده ظروف سفالین به رنگ گل اخراي سرخ و زرد و یا گل تیره‌ای که با آن سفال می‌ساختند بعدها با برخورد به گیاهانی که دارای مواد و مایعات رنگی بودند و یا خاکهای معدنی یا فلزات، لوازم و خانه‌های خود را رنگ آمیزی می‌نمودند. مثل

رنگهایی که در نگارگری ایرانی در آغاز سده هفتم هجری به کار می‌رفت به گفته ا. پ. لوری منحصر به پنج رنگ بوده است. آبی روشن، ارغوانی که گاهی به آبی متمایل می‌گردد. جگری خام که به احتمال قوی نوعی شنکرف بوده، زرد رنگ پریده و یک نوع طلایی کدر سنگین متمایل به خاکستری که آلیاژ نامعلومی است.

در دوره ایلخانی (۷۰۸ ه. ق / ۱۳۱۴ م) رنگ آمیزی وسعت بیشتری گرفته به عبارتی به رنگهای ترکیبی دیگری توجه شده. رنگهای سرد قبلی جایش را به رنگهای گرم داده و با ایجاد تعادل چنان هماهنگی بین رنگهای تند ایجاد کرده که چشم تریک جا نمی‌ماند.

با تکامل زیبایی‌شناسی رنگها پیش از پیش غیرواقعی می‌شوند، بویژه در مورد کوهها و زمین و تحول رنگهای غیرواقعی زمین و صخره‌های مرجانی که قبلاً در نگارگری عربی بسیار پیشرفته بود یکی از شاعرانه‌ترین و خلاقانه‌ترین موضوعهای نقاشی ایرانی می‌شود. در مکتب هرات در اکثر آثار کوهها را نه تنها به شکل غیرطبیعی ساخته‌اند بلکه رنگهای آنها را سفید، زرد، آبی، بنفش، قرمز، و یا هر رنگ دیگری که اقتضاء می‌کرد درمی‌آوردند بعد از رنگ طلا، رنگ آبی و آبی لاجورد و سبز رنگهای مسلط در اکثر نگاره‌ها می‌باشد. چنانچه می‌دانیم استفاده از مفاهیم رنگ از مشخصه‌های هرات هنری رنگی می‌باشد و نگارگر مکتب هرات به خوبی این مفاهیم را درک کرده و به کار گرفته. مثلاً استفاده از رنگهای مکمل (نوری) برای ایجاد حس قربت بین دو دلداده و عشاق به

کار گرفته شده چنانچه در اثرهای و همایون لباس روی همایون به رنگ لاجورد و رنگ لباس روی همای زرد رنگ آمیزی شده است و این نمود عینی استفاده به جا از رنگهای مکمل است که حدود ششصد سال پیش هنرمندان ایرانی از آن استفاده کرده‌اند.

به طور کلی رنگ آمیزی در قرن نهم هجری (دوره تیموریان) از آزادی عمل زیادی برخوردارند. اما جهت بررسی تحلیلی استناد به نمونه‌های بارز مکتب هرات از جمله شاهنامه بایستقری و نمونه‌هایی از آثار بهزاد ما را در شناسایی این مکتب کمک خواهد نمود. همانطور که گفته شد بایستقر میرزا پس از آنکه به فرمان شاهرخ حکومت هرات را بر عهده گرفت کارگاه بزرگ خود را در این شهر برپا کرد که یکی از نتایج این کارگاه نمونه‌ای از شاهنامه که به نام وی معروف است می‌باشد. این شاهنامه دارای خصوصیات خاصی می‌باشد که به طور اجمال بدانها اشاره می‌گردد.

خوشنویسی آن را خطاط معروف آن دوره به نام جعفر تبریزی (بایستقری) انجام داده که خود نیز سرپرستی کارگاه را بر عهده داشت. و نقاشانی چون قیام‌الدین، مولانا علی، مولانا امیر خلیل و... نقش آفریدند. این شاهنامه که در سال (۸۳۳ ه. ق / ۱۴۲۹ م) تهیه شده به طور کلی از بیست و دو پرده تشکیل شده که شش نگاره مربوط به مولانا امیر خلیل و شش نگاره از آثار قیام‌الدین و پنج نگاره از آثار مولانا علی و پنج نگاره احتمالاً کار مشترک مولانا علی و قیام‌الدین می‌باشد.

آثار مولانا خلیل به طور کلی دارای ویژگیهای زیر می‌باشد. استحکام در ترکیب بندی و تنظیم هندسی بسیار ظریف. بیان فضای درونی و بیرونی و تأکید بر عامل هم زمانی. پر تحرکی فضا در کنار عامل کم تحرکی و کم اتفاق. نمادین کار کردن قریب به اتفاق کارها از جمله پرواز دو پرنده به عنوان پرواز روح و یا دو دلداده و دقت در جزئیات.

آثار مولانا قیام‌الدین نیز دارای ویژگیهای زیر می‌باشد. صخره‌های اسفنجی و شکل دالبر مانند آنها و اجتماع صخره‌ها، تنه کوتاه و حجیم درختان. رنگ جسمی آبی لاجوردی در آسمان (در بقیه کارها رنگ آسمان طلایی می‌باشد) درختان منفصل. درختان برگ چناری. منفصل بودن عوامل ترکیب بندی.

ویژگی آثار مولانا علی را می‌توان چنین برشمرد که: نگاه آرام و متین افراد و پادشاه. تعداد اشخاص در کارهای مولانا علی به مراتب بیشتر از کارهای دیگران است. معمولاً یک قسمت قاب را با کتیبه بسته و طرف دیگر به صورت رها و آزاد می‌باشد. خاکریزهای مرتفع و اکثراً به رنگ سفید آب و یا رنگهای روشن که فضای یکدستی را به وجود آورده است و در میان این فضا بافت‌های تزئینی به صورت گیاه در سرتاسر زمینه دیده می‌شود. در اواخر مکتب هرات هنرمندی به نام کمال‌الدین بهزاد



زیرساخت این آثار توجه کنیم همانطور که ذکر شده نگارگری ایرانی به نوعی برگرفته از عالم خیال می‌باشد و از ذهنیت الهام گرفته از عالم دیگر نقش می‌شود. بنابراین نوعی هنر تجریدی است و دارای بار معنوی می‌باشد.

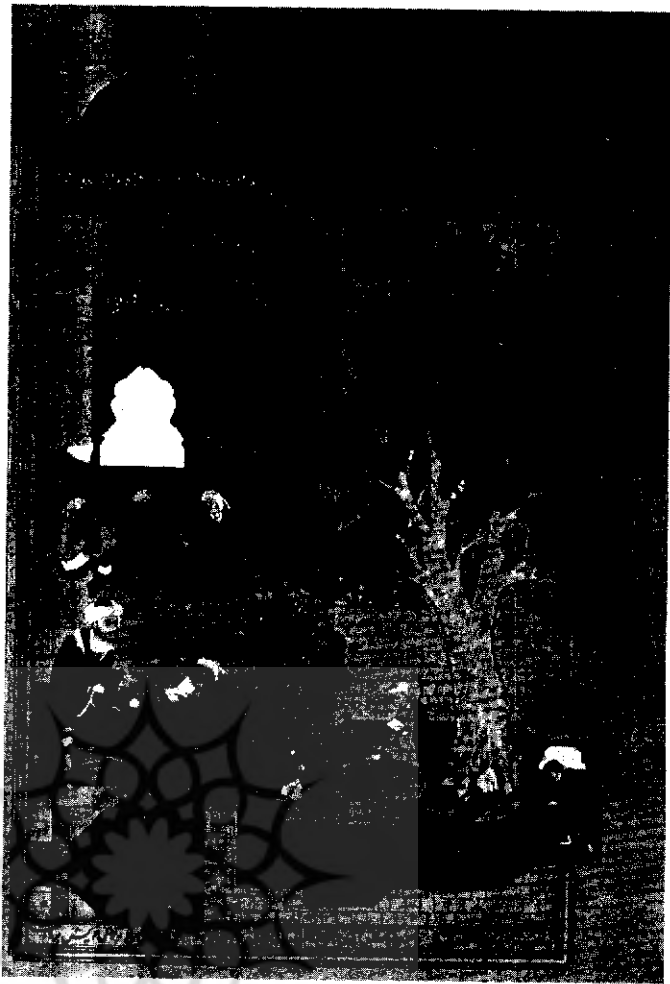
فلذا نسبت‌های هندسی لازمه این هنر تجریدی و اسلامی می‌باشد. در بررسیهای انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که هندسه زیربنایی در نگاره‌های ایرانی یک هندسه ایستا و بر اساس تقسیم‌های متوالی ۱۲ و ۱۳ و... قاب می‌باشد این هندسه به صورت کلی و محدود در دورانه‌ها و مکاتب مختلف نگارگری ایرانی تداوم یافته و تنها در مکتب هرات دچار تحولی بسیار ظریف در جهت متابعت از تقسیم‌های جدید قاب شده است با این وجود تقسیم‌ها همچنان از اصول کلی پیروی می‌کند.

این تقسیم‌های متوالی با ترسیم قطرها و عمود منصفها و نصف قطرها حاصل می‌شود. بدین ترتیب که با تقسیم عمود منصفها گستره به چهار قسمت تقسیم می‌شود و سپس قطرهای نصف گستره ترسیم می‌شود و اگر از تقاطع قطر نصف گستره و قطر گستره خطی کشیده شود گستره به سه قسمت مساوی تقسیم می‌شود و از تقاطع قطر گستره با قطر ربع گستره تقسیم ۱۴

گستره به دست می‌آید و در نهایت نسبت‌های ۳۵، ۲۳ و ۳۴ و... به دست می‌آید این تقسیم‌ها علی‌الخصوص در نگاره‌های مکتب هرات بسیار مشهود است و تمامی عناصر نگارگری در این تقسیم‌ها واقع شده است. بدین ترتیب می‌توانیم وجود جنبه‌های مشترک در هندسه بنیادی هنر کهن ایرانی، یونانی و بیزنسی را تأیید نماییم. هنر اسلامی ایرانی با توجه به جهان بینی خود که اعتقاد به نظم جهانی که حاکی از وجود ناظم ازلی و ابدی جهان است زیرساخت هنر خود را نیز بر اساس نظم هندسی قرار داده است.

در این میان مستطیل طلایی و مستطیل ۷/۴ که قابهای اصلی نگاره‌های مکتب هرات را تشکیل می‌دهند اهمیت خاصی دارند و لذا جهت بررسی دقیق و آشنایی با این مستطیلها توجه علاقمندان را به کتاب مبانی نظری دکتر آیت‌اللهی جلب می‌نمایم.

نکته قابل توجه دیگر در این تقسیم‌ها این است که در مکتب هرات مربع شاخص اهمیت خاصی دارد و در اکثر آثار دیده می‌شود که عناصر ترکیب در درون مربع شاخص قرار گرفته است و این یکی از مشخصه‌های بارز این مکتب می‌باشد.



مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و لذا هنرنمایی او نیز اوج مکتب هرات را پایه‌گذاری کرد. لازم به ذکر است که از هنرمندانی چون پیر سید احمد تبریزی و میرک (امیر روح...) که بعنوان معلمین بهزاد بودند باید یاد کرد که هنرهای ارزنده‌ای بر جای گذاشته‌اند.

آثار بهزاد به سه دوره مجزا قابل تقسیم است اول دوره شاه سلطان حسین بایقرا دوم مابین دوره تیموری و صفوی یعنی کشمکش بین شیعیان و صفویان و سوم دوره تقریباً هفده ساله‌ای که بهزاد در آن سالها رئیس کتابخانه سلطنتی در تبریز بود و شاگردانی چون سلطان محمد و قاسم علی و شیخزاده را تربیت کرده است.

در هنر بهزاد انسان نقش اصلی را ایفا می‌کند. انسان مورد نظر بهزاد، انسان در حال حرکت و انجام عمل است، انسان پویا نه ساکن. بدعت در رنگ آمیزی - نمایاندن حالات روحی اشخاص و بالاخره بهزاد با برگزیدن موضوعات تازه نقاشی را از قیود کتابت رها نمود. بخش بندیهای فضا، کثرت اشیاء و تنوع آدمهای پرتحرک در نگاره‌های بهزاد به چشم می‌خورد ولی این گوناگونی هرگز به آشفتگی آثار نمی‌انجامد.

در انتهای این مبحث لازم است جهت تحلیل آثار به